

چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۹ • ۲۷ محرم الحرام ۱۴۴۲ • ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۰

اخبار

فراخوان مقاله وینار نقش ادبیات،

فرهنگ و علوم انسانی در تمدن‌سازی

رایزنی فرهنگی ایران در بنگلادش با‌مشارکت دانشگاه‌های ایران و بنگلادش، وینار تخصصی با موضوع «بررسی نقش ادبیات، فرهنگ و علوم انسانی در تمدن‌سازی» در تاریخ ۲۳اسفندماه سال جاری ساعت ۱۰ تا ۱۸ به وقت داکا به زبان‌های بنگلا، فارسی و انگلیسی برگزار می‌کند. محورهای مقالات و سخنرانی‌های این وینار شامل عامل ایجاد و افول تمدن‌ها، عوامل رشد و شکوفایی تمدن‌ها، نقش ادیان در تمدن‌سازی، مظاهر مادی و معنوی تمدن‌ها، معنا و مفهوم تمدن اسلامی و همچنین، معنا و مفهوم تمدن نوین اسلامی می‌شود. بررسی نقش ادبیات در تمدن‌سازی، بررسی نقش فرهنگ در تمدن‌سازی، عوامل رشد و شکوفایی تمدن‌ها، و مهندسی در تمدن‌سازی، ظرفیت‌های ایران و بنگلادش برای مشارکت در ساخت تمدن‌سازی از دیگر محورهای مقالات و سخنرانی‌ها است. از این رو، فراخوان مقاله برای این وینار تخصصی از سوی رایزنی فرهنگی ایران در بنگلادش اعلام شد. مهلت ارسال چکیده مقالات و سخنرانی‌ها، ۱۲ بهمن‌ماه سال جاری به نشانی ایمیل دبیرخانه: **Dhaka.icro@gmail.com** خواهد بود.گفتنی است؛ علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتری می‌توانند با شماره تلفن دبیرخانه: ۰۰۸۸۰۲۹۶۱۱۹۸۷ تماس حاصل کنند.

نویسنده‌هایی که ادا درمی‌آورند

کیوان ارزاقی که بیان این‌که ادبیات ما ادبیات فقیری‌است می‌گوید: چیزی که در این چند سال‌ها دیده‌ام، اگر مُد و جریانی اتفاق افتاده به این سمت رفته که ادا اصولی درپایورنداین داستان‌نویس در گفتگو با ایسنا، درباره تبعیت ادبیات از مُد اظهار کرد: بدت ابتدا بی‌تجربگی و به تلاشی بیشتر از بار میثیش است که بتب چیزی بی‌مردم رایج می‌شود به نوعی مد است، از لباس و پوشاک گرفته تا مو، موسیقی و فیلم و ادبیات. به‌نظم «مد» فی‌نفسه نمی‌تواند چیز بدی باشد. اما وقتی در فرهنگ ایرانی درباره مد صحبت می‌کنیم بار منفی‌اش بیشتر از بار مثبتش است. او سپس با بیان این‌که مد می‌تواند جریان‌ساز باشد، گفت: بعد از جنگ جهانی اول و دوم در اروپا، بحث پوچ‌گرایی مانند یک موج راه افتاد و چیزی شبیه مد شد که آدم‌ها در رابطه با پوچ‌گرایی بنویسند و از دل آن کتاب‌های خوبی بیرون آمد. دلیل این موضوع، این بود که با مقتضیات آن روز اروپا متناسب بود؛ اما شاید امروز چنین چیزی جواب ندهد. در واقع می‌توان گفت مد می‌تواند هم مثبت باشد هم منفی. ارزاقی در ادامه بیان کرد: به‌نظم در ادبیات فقیر و بی‌جان ایران، مُد نمی‌تواند نه خیلی مثبت باشد و نه خیلی منفی. ادبیات ما ادبیات فقیری‌است، چیزی که در این چند سال‌ها دیده‌ام، اگر مد و جریانی اتفاق افتاده به این سمت رفته که ادا اصولی درپایورند. این‌طور نبوده که من نویسنده داستان‌نویس و به این فکر کنم که داستاتم در فلان قالب ادبی قرار بگیرد. اگر حس کنم داستاتم می‌تواند در قالب رئالیسم جادویی باشد، مقتضیات زمان و مکان این اجازه را به من می‌دهد که در این قالب بنویسم. اگر همه بخواهند از رئالیسم جادویی که در آمریکای جنوبی شکل گرفته و باب شده تبعیت کنند، قاعدتا نمی‌تواند چیز خوبی باشد زیرا فرهنگ، موسیقی و نگاه آن‌ها باشرق آسیا و متفاوت است. اگر رئالیسم جادویی در آن‌جا شکل می‌گیرد در واقع بخشی از زندگی آن‌ها را تشکیل می‌دهد و اگر ما بخواهیم عیناً آن را جلو ببریم، به جواب درستی نمی‌رسیم. البته امکان دارد یکی از دوستان نویسنده داستانی را در قالب رئالیسم جادویی بنویسد و موفق هم شود. نویسنده «سرزمین نوچ» و «زندگی منفی یک» خاطرنشان کرد: فکر می‌کنم مد در هر قالبی که باشد باید بتواند نیازهای روز جامعه را پاسخ دهد. اگر من به عنوان نویسنده بخواهم در قالب مد بنویسم، ایرادی ندارد، اما باید بتوانم به دغدغه‌های خُدم و جامعه در قالب داستانی که می‌نویسم، پاسخ‌گو باشم.او در پایان گفت: دغدغه نویسنده و مخاطب ایرانی همان دغدغه مردم اروپایی نیست؛ میان کوندرا چیزی نویسد و مد می‌شود، اگر من هم بخواهم با همان روند جلو بروم، جواب نخواهم گرفت. اگر در آمریکا جریانی شکل گرفته و استقبال بسیار زیادی از آن شده و کتاب در آن‌جا توانسته جواب بدهد، امکان دارد اگر آن را به ایران بیاوریم جواب بدهد یا ندهد. اما قاعدتا نگاه ما، مسائل اقتصادی و اجتماعی‌مان با آن‌ها خیلی متفاوت است. در بحث اجتماعی، عمده مردم ما دچار غم نان هستند و رشد توسعه فردی به آن شکلی که در جوامع اروپایی می‌بینیم، شکل نگرفته است. بنابراین شما باید با شکل و شمایلی بنویسید که مخاطب هم ارتباط برقرار کند.

در خیلی از مواقع عیناً پیاده کردن جواب نمی‌دهد و نیاز دارد که ما آن را بومی‌سازی و ایرانیزه کنیم، یعنی نیاز جامعه را بشناسیم و با آن شکل و شمایل ببینیم

رمان زندگی مولانا به چاپ هشتم رسید
رمان «رومی (جلال‌الدین محمد)» نوشته بهمن شکوهی به‌تازگی توسط انتشارات نگاه به چاپ هشتم رسیده است. چاپ اول این کتاب پاییز سال ۹۷ به بازار نشر آمد و تابستان ۹۸ هم به چاپ سوم رسید. داستان رمان از دوران کودکی مولانا در بلخ شروع شده و تا بزرگسالی‌اش در قونیه ادامه پیدا می‌کند. آشنایی این فقیه با شمس تبریزی و تبدیل‌شدنش به یک عارف شیدا از موارد مهمی است که شکوهی در نگارش رمان در نظر داشته است. برهه تاریخی حمله مغول به ایران هم از مولفه‌های تاریخی و مقاطع مهم زندگی مولاناست که شکوهی در «رومی» به آن توجه کرده است. نویسنده «رومی» در فرازهایی واقعیت و افسانه را به‌صورت توام روایت کرده است.بهمن شکوهی نویسنده این کتاب، سابقه سرایش شعر و دوستی با شاعرانی چون قیصر امین‌پور را دارد که در حیطه نگارش نثر، داستان محمد‌های مختلف زندگی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی شاعر و عارف بزرگ ایرانی را در قالب رمان عرضه کرده است.
چاپ هشتم این‌کتاب با ۵۷۸ صفحه و ۸۰ هزار تومان منتشر شده است.

مایکل پاتریک لینچ، در کتاب اینترنت ما می‌گوید: اطلاعات زیاد و فهم کم در عصر کلان‌داده، شرایطی را تشبیه می‌کند که از ما دور آینده‌ای از زندگی ما باشد که تکنولوژی‌ها رقم می‌نند. او در این کتاب از خواننده می‌خواهد تا شرایطی را تصور کند که در آن تراشه‌ای در مغز انسان جاسازی شده است که هر لحظه، اطلاعات هر محتوایی را که اراده کنیم تا درباره آن بدانیم، در پیش چشممان حاضر شود. همه چیز زیباست! دیگر نگران نیستیم تا چیزی را فراموش کنیم یا نگران نیستیم تا در جمعی که درباره موضوع تازهای صحبت می‌کنند، ما از آن بی‌اطلاع باشیم. همه ما دانائیم.

او پس از شمردن مزیت‌های چنین شرایطی، خواننده را به خود می‌آورد و درباره تهدیدهایی که این شرایط دارد برای او می‌نویسد: «درست همان‌طور که اتکای بیش از اندازه بر یکی از حواس، باعث تضعیف حواس دیگر می‌شود، ممکن است وابستگی بیش از اندازه به چنین تکنولوژی توانایی دستیابی به اطلاعات از مسیرهای دیگر را رنیز تضعیف کند، چراکه آن مسیرها سخت‌ترند و به تلاش خلاقانه بیشتری نیاز دارند». ما در گذشته اگر می‌خواستیم چیزی را بدانیم، بایستی تلاش و کوشش بیشتری می‌کردیم. برخی مواقع لازم بود پیش کسانی برویم که درباره موضوعی اطلاع دارند و از آنها بیاموزیم. بعضی مواقع لازم بود تا خود مستقیماً، چیزی را تجربه کنیم تا درباره آن آگاهی کسب کنیم. با این وجود، در دنیای رسانه‌ای‌شده و کوچک‌شده امروز، همه تجربه‌ها و همه آگاهی‌ها در اختیار ماست و به‌راحتی قابل جست‌وجو و دستیابی است. اینترنت ما را به افرادی بدل کرده است هم‌مدان و نادان.

شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه شبکه اجتماعی اینستاگرام که قابلیت بصری دارد، فهم ما از خودمان را نیز تغییر داده است. همه آنچه در اینترنت رخ می‌دهد، ساختنی است. ما در حال ساختن خودمان هستیم. ایدéal‌های دست‌نیافتنی از خودمان در دنیای واقعی را، تلاش می‌کنیم تا

فیک نیوزها، فرصتی برای دولت‌ها!

اجلاس گردهمایی روزنامه‌نگاران کشورهای مختلف جهان هر ساله در اوایل سال میلادی (عمدتاً ماه مارس، اواخر اسفند یا اوایل فروردین) در کشور کره جنوبی برگزار می‌شود. امسال اما به‌دلیل همه‌گیری ویروس کرونا، ابتدا زمان برگزاری اجلاس سال ۲۰۲۰ به تعویق افتاد و در نهایت فردیسه که گردهمایی امسال به‌صورت مجازی در روزهای ۲۴ تا ۲۶ شهریورماه جاری برگزار خواهد شد. «فیک نیوزها و آینده رسانه‌ها»، «رسانه‌ها و راه‌های کنترل بیماری کووید -۱۹» و «جنگ و صلح دو کره و تاثیر بین‌المللی آن» موضوع نشست‌های امسال این اجلاس است که سخنرانان منتخبی از کشورهای مختلف درباره آنها سخن می‌گویند.

علیرضا بهرامی، روزنامه نگار ایرانی، یکی از سخنرانان روز نخست اجلاس در کنار روزنامه‌نگارانی از کشورهای بنگلادش، ایرلند، کامبوج، کلمبیا، مصر، هندوستان، اندونزی، روسیه، کویت، لبنان، نپال، پاکستان، فلسطین، پاراگوئه، فیلیپین، ویتنام، جمهوری دومینک، ایالات متحده آمریکا و کره جنوبی بود که زیر عنوان «فیک نیوزها، فرصتی برای دولت‌ها»، سخنرانی کرد.

علیرضا بهرامی در اجلاس روزنامه‌نگاران جهان در ۲۰۲۰ میلادی، گفت: در جمهوری اسلامی ایران نیز، مانند سایر کشورهای جهان، در چند سال گذشته، با پیشرفت تکنولوژی و گسترش ابزارهای ارتباطی، فرصت‌ها و مخاطره‌هایی برای رسانه‌های استاندارد سنتی پدید آمد. از یک سو، رسانه‌ها فرصت یافتند که در بسترهای مختلف و با سرعت و وسعت بیشتری با مخاطبان ارتباط برقرار کنند، از سوی دیگر، حیات اقتصادی برخی از رسانه‌ها با تهدید مواجه شد. از یک سو، نوعی دموکراسی ارتباطی برای تمامی شهروندان ایجاد شد و از سوی دیگر، سودجویان نیز فرصت یافتند که به تخریب روابط اجتماعی در جامعه بپردازند. در این میان، فیک نیوزها نقش تخریبی ویژه‌ای ایفاء کردند؛ یعنی خبرهایی که از نظر ظاهری، شرایط اخبار استاندارد را برای عموم مردم دارند، اما درواقع خبرهایی جعلی هستند که برای اهدافی فروماهیه مانند افزایش مخاطبان از راه‌های نادرست، تولید و منتشر می‌شوند. ضمن آنکه ایران علاوه بر شرایط عمومی که مشابه دیگر کشورهای جهان است، در وضعیت تحریم و تقابل اقتصادی و سیاسی برخی کشورها قرار دارد.

شیوع ویروس کرونا خیلی از کسب و کارهای گردشگری را معلق و یا تعطیل کرد از جمله سفر گردشگری در بین کشورها با این وجود سازمان جهانی گردشگری می‌گوید که بعد از پذیرفتن حضور این ویروس در زندگی بشر باید بتوانیم در کنار آن سفر ایمن داشته باشیم. برخی از کشورها مرزهای خود را به روی گردشگران برخی از همسایه‌های خود با رعایت سختگیری‌های درست باز کرده‌اند چون اقتصاد کشورشان بر پایه گردشگری شکل گرفته بوده و می‌بایست آن را فعال می‌کردند. اما در ایران هنوز این اتفاق نیفتاده است و هنوز مرزها برای ورود گردشگران باز نیست. در همین دلیل گردشگری در حوزه ورودی هنوز نمی‌دانند تکلیف شأن حتی برای چند ماه آینده چیست.

چون بسیاری از آنها باید از هم اکنون برای جذب گردشگر اقدام کنند. اما اکنون سه مشکل پیش روی آنهاست. یکی اینکه حتی اگر گردشگری درخواست سفر به ایران را داشته باشد، مرزهای کشور به روی خارجی‌ها باز نیست دوم اینکه بسیاری از گردشگران خارجی برای سفرهای خود از ماه‌ها قبل برنامه‌ریزی می‌کنند اما به دلیل شیوع ویروس این برنامه‌ریزی در حال حاضر امکان پذیر نیست. سوم اینکه شرایط سفر تغییر کرده و باید بسته‌های جدید سفر با شرایط ویژه دوباره تهیه و برای آن تبلیغ شود اقدامی که هنوز برای ایران انجام نشده است.

حامد حقیقی مدیر یکی از آژانس‌های مسافرتی که در حوزه ورود گردشگر به کشور فعالیت می‌کند به خبرنگار مهر گفت: برای شهریور ماه ۵ گروه کوچک از گردشگران

روزنامه ایران

فردیت در اینستاگرام

جزیره‌های جدا افتاده از هم



در فضای مجازی بسازیم و به تصویر درآوریم. این شرایط دارد برای او می‌نویسد: «درست همان‌طور که اتکای بیش از اندازه بر یکی از حواس، باعث تضعیف حواس دیگر می‌شود، ممکن است وابستگی بیش از اندازه به چنین تکنولوژی توانایی دستیابی به اطلاعات از مسیرهای دیگر را رنیز تضعیف کند، چراکه آن مسیرها سخت‌ترند و به تلاش خلاقانه بیشتری نیاز دارند». ما در گذشته اگر می‌خواستیم چیزی را بدانیم، بایستی تلاش و کوشش بیشتری می‌کردیم. برخی مواقع لازم بود پیش کسانی برویم که درباره موضوعی اطلاع دارند و از آنها بیاموزیم. بعضی مواقع لازم بود تا خود مستقیماً، چیزی را تجربه کنیم تا درباره آن آگاهی کسب کنیم. با این وجود، در دنیای رسانه‌ای‌شده و کوچک‌شده امروز، همه تجربه‌ها و همه آگاهی‌ها در اختیار ماست و به‌راحتی قابل جست‌وجو و دستیابی است. اینترنت ما را به افرادی بدل کرده است هم‌مدان و نادان.

شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه شبکه اجتماعی اینستاگرام که قابلیت بصری دارد، فهم ما از خودمان را نیز تغییر داده است. همه آنچه در اینترنت رخ می‌دهد، ساختنی است. ما در حال ساختن خودمان هستیم. ایدéal‌های دست‌نیافتنی از خودمان در دنیای واقعی را، تلاش می‌کنیم تا

آسیب دیگران محتوایی را که فرد بارگذاری می‌کند، می‌پسندند و او را تحسین می‌کنند. فرد صاحب پیج، این تحسین را دلیلی بر «شاخ‌بودن» خود می‌پندارد و به‌زودی، خودش، در محوریت همه فعل‌و‌انفعالات مجازی قرار می‌گیرد. کوچک‌ترین اعتراضی را با فحاشی (فحاشی نوعی برهم‌خوردن رابطه انسانی است و باعث می‌شود دیگران از ما روی‌گردان شوند) پاسخ می‌گوید. نشان دهیم و الا، در سیل رخدادهای جدیدی که فضای مجازی را به فضایی لرزان و بی‌ثبات بدل کرده است، گم می‌شویم. دیگر، کسی به ما توجهی نمی‌کند. محبوبیت و شهرت همان‌قدر که راحت و سریع، ولو در ابعاد کم، به وجود می‌آید،

در چشم‌برهم‌زدنی نیز از بین می‌رود. ما تا وقتی کسی با ما در فضای اینستاگرام هستیم که چیزی جدید برای عرضه داشته باشیم. اینستاگرام بیش از آنکه ما را به درون‌مان سیر دهد تا با شناخت دقیق از خود، زندگی خود را پیش ببریم، ما را نه از زاویه دید خودمان به خودمان که از زاویه دید دیگران به خودمان، شکل می‌دهد. فردی که اهلی فضای اینستاگرام است و عطش دیده‌شدن دارد، در معرض حداقل دو آسیب جدی است.

نخست، آسیب خودشیفتگی است. در این آسیب دیگران محتوایی را که فرد بارگذاری می‌کند، می‌پسندند و او را تحسین می‌کنند. فرد صاحب پیج، این تحسین را دلیلی بر «شاخ‌بودن» خود می‌پندارد و به‌زودی، خودش، در محوریت همه فعل‌و‌انفعالات مجازی قرار می‌گیرد. کوچک‌ترین اعتراضی را با فحاشی (فحاشی نوعی برهم‌خوردن رابطه انسانی است و باعث می‌شود دیگران از ما روی‌گردان شوند) پاسخ می‌گوید. نشان دهیم و الا، در سیل رخدادهای جدیدی که فضای مجازی را به فضایی لرزان و بی‌ثبات بدل کرده است، گم می‌شویم. دیگر، کسی به ما در فضای اینستاگرام هستیم که چیزی جدید برای عرضه داشته باشیم. اینستاگرام بیش از آنکه ما را به درون‌مان سیر دهد تا با شناخت دقیق از خود، زندگی خود را پیش ببریم، ما را نه از زاویه دید خودمان به خودمان که از زاویه دید دیگران به خودمان، شکل می‌دهد. فردی که اهلی فضای اینستاگرام است و عطش دیده‌شدن دارد، در معرض حداقل دو آسیب جدی است.

نخست، آسیب خودشیفتگی است. در این آسیب دیگران محتوایی را که فرد بارگذاری می‌کند، می‌پسندند و او را تحسین می‌کنند. فرد صاحب پیج، این تحسین را دلیلی بر «شاخ‌بودن» خود می‌پندارد و به‌زودی، خودش، در محوریت همه فعل‌و‌انفعالات مجازی قرار می‌گیرد. کوچک‌ترین اعتراضی را با فحاشی (فحاشی نوعی برهم‌خوردن رابطه انسانی است و باعث می‌شود دیگران از ما روی‌گردان شوند) پاسخ می‌گوید. نشان دهیم و الا، در سیل رخدادهای جدیدی که فضای مجازی را به فضایی لرزان و بی‌ثبات بدل کرده است، گم می‌شویم. دیگر، کسی به ما در فضای اینستاگرام هستیم که چیزی جدید برای عرضه داشته باشیم. اینستاگرام بیش از آنکه ما را به درون‌مان سیر دهد تا با شناخت دقیق از خود، زندگی خود را پیش ببریم، ما را نه از زاویه دید خودمان به خودمان که از زاویه دید دیگران به خودمان، شکل می‌دهد. فردی که اهلی فضای اینستاگرام است و عطش دیده‌شدن دارد، در معرض حداقل دو آسیب جدی است.

نخست، آسیب خودشیفتگی است. در این آسیب دیگران محتوایی را که فرد بارگذاری می‌کند، می‌پسندند و او را تحسین می‌کنند. فرد صاحب پیج، این تحسین را دلیلی بر «شاخ‌بودن» خود می‌پندارد و به‌زودی، خودش، در محوریت همه فعل‌و‌انفعالات مجازی قرار می‌گیرد. کوچک‌ترین اعتراضی را با فحاشی (فحاشی نوعی برهم‌خوردن رابطه انسانی است و باعث می‌شود دیگران از ما روی‌گردان شوند) پاسخ می‌گوید. نشان دهیم و الا، در سیل رخدادهای جدیدی که فضای مجازی را به فضایی لرزان و بی‌ثبات بدل کرده است، گم می‌شویم. دیگر، کسی به ما در فضای اینستاگرام هستیم که چیزی جدید برای عرضه داشته باشیم. اینستاگرام بیش از آنکه ما را به درون‌مان سیر دهد تا با شناخت دقیق از خود، زندگی خود را پیش ببریم، ما را نه از زاویه دید خودمان به خودمان که از زاویه دید دیگران به خودمان، شکل می‌دهد. فردی که اهلی فضای اینستاگرام است و عطش دیده‌شدن دارد، در معرض حداقل دو آسیب جدی است.

افزود: از نگاه کارشناسان دانشگاهی و متخصصان، افزایش سواد رسانه‌ای مردم، از مهمترین راه‌های مراقبت از جامعه در برابر رشد سریع انتشار فیک نیوزها است. اما تجربه ایران ثابت کرده که علاوه بر اهمیت این روش، راه تضمین‌شده‌تری هم وجود دارد. در ایران نیز در چند سال گذشته، سواد رسانه‌ای جزو درس‌های مدرسه قرار گرفت. همچنین فعالیت‌های دیگری همچون راه‌اندازی فرهنگسراها یا انجمن‌های مربوط به سواد رسانه‌ای شکل گرفت. اما هیچ‌کدام نتوانستند در برابر موج گسترش فیک نیوزها چندان مؤثر باشند. تجربه رخدادهای چند ماه گذشته در ایران نشان داد که راه مؤثر دیگری هم پیش روی دولت قرار دارد.

بهرامی ادامه داد: به خاطر داريد که چند ماه پیش یک هواپیمای مسافری که بیشتر سرنشینان آن را مسافران ایرانی تشکیل می‌دادند، در جریان تنش نظامی میان ایران و آمریکا، به اشتباه، در نزدیکی فرودگاه تهران مورد اصابت موشک قرار گرفت. چند روز طول کشید تا دولت ایران با انتشار اطلاعیه‌ای رسمی، مسئولیت این سانحه را برعهده گرفت. در طول این چند روز، فضای مجازی و شبکه‌های غیر رسمی، از رسانه‌های رسمی ایران پیشی گرفتند و موج بی‌اعتمادی به رسانه‌های رسمی پدید آمد.

رسانه‌های رسمی داخلی به حمایت از پنهان‌کاری متهم شدند و فضا برای انتشار هر گونه خبر درست یا نادرستی در فضای مجازی فراهم شد.

بهرامی در ادامه به عملکرد رسانه‌های ایران در زمان شیوع کرونا پرداخت و گفت: اما چند هفته بعد، در جریان شیوع ویروس کرونا ۲۰۱۹ این وضعیت تا حدودی بهبود یافت. پس از انتقادهای روزهای اول به نحوه اطلاع‌رسانی دولت ایران درباره بیماری کووید ۱۹، اطلاع‌رسانی مستمر و اعتماد به کارکرد رسانه‌های رسمی و استانداردها، فضا را برای فیک نیوزها هرروز سخت‌تر کرد. سخنگوی وزارت بهداشت ایران روزانه برای رسانه‌ها نشست خبری برگزار کرد و اطلاعات لازم به صورت منظم به رسانه‌ها منتقل شد. همچنین رسانه‌ها بنا بر مسؤولیت اجتماعی خود، به کنکاش مداوم در فعالیت‌های دولت در این زمینه پرداختند. در ایران نیز، در روزهای نخست، در فضای مجازی، بازار گمانه‌زنی‌ها و انتشار اطلاعات بی‌اساس، داغ بود. همچنین سودجویان

آژانس‌های گردشگری تا ۲۰۲۱ مسافر خارجی ندارند



اسپانیایی و کانادایی و فرانسوی داشتیم که می‌خواستند به ایران بیایند اما چون فعلا ایران به گردشگران خارجی ورودی ویزا نمی‌دهد این سفرها نیز لغو شد. متأسفانه اکنون آژانس‌های مسافرتی هیچ اقدامی نمی‌توانند برای برنامه‌ریزی سفر گردشگران برنامه‌ریزی کنیم باشند ما معمولاً از الان برای بهار سال بعد باید تبلیغ می‌کردیم و برنامه ریزی‌ها برای ورود گردشگران خارجی را انجام می‌دادیم اما هیچ اقدامی نیفتاده است. گردشگران خارجی از یک سال قبل با حداقل از ۶ ماه قبل برای سفرشان به یک کشور خارجی برنامه‌ریزی می‌کنند و می‌دانند که در تعطیلات ژانویه و یا تعطیلات دیگر به کجا می‌خواهند بروند ما هم می‌دانیم که چه ماهی میزبان کدام گردشگران هستیم

آینده خود برنامه می‌ریزد. انسان در لحظه درنگ، فارغ از رخداد پیرامونش، سعی می‌کند تا پدیده‌ها را تحلیل کند و گره از کلاف سردرگم آن باز کند. اما، امروزه، این فرصت در فضای اینستاگرام از ما گرفته شده است. ما فارغ از اینکه در چه شرایطی زندگی می‌کنیم و چه امکاناتی پیرامون ماست، وقتی سبک زندگی فردی را در اینستاگرام می‌بینیم که جذاب است، خود را دارای فقدان و کمبود تلقی می‌کنیم.

در اینستاگرام همه چیز، دیگرانند. چنین نگاه لذت‌جویانه و احساس‌فقدانی در اینستاگرام، دانما، ما را از زندگی ناراضی می‌کند و باعث می‌شود تا ما از لذت‌های واقعی در دنیای واقعی بهره نبریم. آنچه در حال رخداد است در اطراف ما، راضی‌کننده نیست بلکه همه آنچه لذت‌بخش و راضی‌کننده است، زندگی‌هایی است که در اینستاگرام نشان داده می‌شود. مصرف محتواهای این چنینی و دنبال‌کردن افرادی که در اصطلاح لاکچری لایف دارند، نوعی تخلیه روانی برای آنان است که از زندگی این چنینی محرومند. آنان، وقتی با واقعیت رازد فراری به اینستاگرام می‌گردند تا از تماشای زندگی بهتر لذت ببرند. ممکن است در چنین نگاهی، دیگری که نقش محوری در زندگی ما دارند، مقصرانی باشند که ما نمی‌توانیم به سبک زندگی دل‌به‌خواه اینستاگرامی خود برسیم. آیا این نگاه به زندگی، ما را جمع‌تری کرده است یا ما را بیشتر در لاک ناکامی‌های خود فروبرده است؟ آیا اینستاگرام‌زدگی ما را تنها کرده است؟ کاربران دائمی اینستاگرام، خود را در جزیره‌هایی از جنس تلفن همراه محبوس کرده‌اند و در دنیای واقعی چیزی برای عرضه ندارند. بسته به آنکه فضای مجازی چگونه تعریف شود، شبکه‌های اجتماعی دلیلی بر معضل تنهایی هستند. با استفاده از اینستاگرام، شرایطی به وجود می‌آید که فرد از ارتباط مستقیم احساس بی‌نیازی می‌کند و به این ترتیب، تجربه جمعی در دنیای واقعی با اختلال روبه‌رو می‌شود.

فیک نیوزها، فرصتی برای دولت‌ها!



اقتصادی با انتشار اخباری جعلی مبنی بر اینکه مثلاً استفاده از یک دانه یا ادویه گیاهی خاص، در جلوگیری از ابتلا به ویروس جدید کرونا مؤثر است، رونق یافته بود. اما استمرار روش پاسخگویی دولت و همچنین استمرار خود بی‌ماری باعث شد آن اخبار جعلی به مرور رنگ بپازند. اعتبار رسانه‌های رسمی ایران که در ماجرای سقوط هواپیما آسیب دیده بود، بهبود یافت.

وی اضافه کرد: این تجربه نشان داد که یکی از راه‌های محافظت از هر جامعه‌ای در برابر اخبار جعلی، بالا بودن میزان پاسخگویی مسئولان آن جامعه است؛ مخصوصاً که همه می‌دانیم، یکی از دلایل‌های گسترش خبرهای جعلی در جامعه این است که علاوه بر آنکه ظاهر خبرهای درست و حرفه‌ای را دارند، به نیازهای جامعه توجه دارند و سعی می‌کنند به دغدغه‌های مردم بپردازند؛ تا با استقبال بیشتری مواجه شوند. از این رو می‌توان گفت، شیوع اخبار جعلی این فرصت طلایی را برای دولت‌هایی چون ایران فراهم کرده است که برای جلوگیری از آسیب‌های آنها، با پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی جامعه و نزدیک شدن به خواست مردم، وضعیت بهتری را برای همگان پدید آورند.

به گزارش مهر، بهرامی سال گذشته نیز در اجلاس سال ۲۰۱۹ روزنامه‌نگاران جهان در ستول، یکی از ۱۷ روزنامه‌نگار منتخب برای سخنرانی بود که درباره تاثیر مخرب تحریم‌های دولت ترامپ بر حیات رسانه‌های مستقل ایران سخن گفت.

اخبار

ادعای حق به شهر؛ از رانت انحصاری تا شورش

انتشارات آگاه ششمین چاپ کتاب «از حق به شهر تا شهرهای شورشی» اثر دیوید هاروی و ترجمه خسرو کلانتری و پرویز صادق را با شمارگان ۲۲۰ نسخه، ۲۵۲ صفحه و بهای ۴۷ هزار تومان منتشر کرد.

چاپ پیشین (پنجم) این کتاب سال ۱۳۹۸ با شمارگان ۲۲۰ نسخه و بهای ۳۵ هزار تومان منتشر شد و چاپ نخست آن نیز سال ۱۳۹۵ با شمارگان ۵۵۰ نسخه و بهای ۱۷ هزار تومان در دسترس مخاطبان قرار گرفت. مقدمه کتاب به قلم هانری لوفور، جامعه شناس و فیلسوف قرن بیستمی فرانسوی است که آثار مهم او در ایران با ترجمه آیدین ترک‌مه منتشر شده است.

کتاب دو بخش و هفت فصل دارد. بخش نخست کتاب با عنوان «حق به شهر» شامل چهار فصل به ترتیب با این عناوین است: «حق به شهر»، «ریشه‌های شهری بحران‌های سرمایه‌داری»، «خلق کمون‌های شهری» و «هنر رانت». این میان فصل هنر رانت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هاروی در این فصل به خوبی توانسته مباحثی نوین نسبت رانت انحصاری و رقابت، سرمایه نمادین جمعی، علائم تمایز و رانت انحصاری را تبیین و تحلیل کند. بخش دوم کتاب با عنوان «شهرهای شورشی» سه فصل به ترتیب با این عناوین دارد: «پس باز گرفتن شهر»، «لندن ۲۰۱۱: سرمایه‌داری وحشی به خیابان می‌زند» و «وال استریٹ را اشغال کنید: حزب وال استریت با عقوبت روبه‌رو می‌شود».

به باور هاروی شهر سنتی را توسعه حاکم سرمایه‌دارانه به قتل رسانده است؛ این شهر قربانی نیاز پایان‌ناپذیر برای مساله اضافه‌انباشت سرمایه برای رشد بی‌پایان و بی‌قاعده شهری می‌شود، صرف‌نظر از پیامدهای اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی آن. به باور هاروی ادعای حق به شهر در حقیقت ادعای چیزی است که دیگر وجود ندارد به‌علاوه، که به شهر یک دال تپی است. همه‌چیز منوط به آن است که چه مدلولی در آن قرار داده شود؛ فعالان بخش مالی و ساخت و ساز کنندگان می‌توانند مدعی آن شوند و تردیدی نیست که حق‌شان است. اما بی‌خانمان‌ها و مهاجران نیز می‌توانند حق خود را طلب کنند. ما به‌ناگزیر در برابر این پرسش قرار می‌گیریم که حقوق چه‌کسانی را باید به رسمیت بشناسیم.

هاروی در ادامه با نقل قولی از مارکس در «کاپیتال» که سرنوشت حقوق برابر را هم قدرت رقم می‌زند، تعریف حق خود بدل به موضوع مبارزه می‌شود. او شهرهای شورشی را در بطن سرمایه و همچنین مبارزه طبقاتی تحلیل می‌کند و طیفی از شهرها از ژوهانسبورگ گرفته تا بمبئی، از نیویورک تا ساتوئاپولو، را مورد بررسی قرار می‌دهد. هاروی، با رجوع به تجربه کمون پاریس و نیز اشغال وال استریت و شورش‌های لندن، این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه می‌توان شهر را از نو سازمان داد تا از نظر اجتماعی عادلانه‌تر و از نظر بوم‌شناختی عقلانی‌تر باشد و شهر چگونه می‌تواند کانون مقاومت ضد سرمایه‌داری شود.

هاروی فیلسوف چپ و انسان‌شناس برجسته بریتانیایی و آمریکایی است. او از مشهورترین منتقدان عرصه پسا مدرنیسم به شمار می‌آید. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های او «وضعیت پسا مدرنیته: تحقیق در خاستگاه‌های تحول فرهنگی» نام دارد که به فارسی هم ترجمه شده است. دیدگاه‌های او درباره کرونا نیز کتاب شده است که چندی پیش با عنوان «بیماری فراگیر در عصر نئولیبرال» به فارسی ترجمه و منتشر شد.

ارائه پیشنهادهای میراث فرهنگی برای درج درلیایحه اصلاح قانون مالیات

علیرضا ارجمندی مدیرکل دفتر مناطق نمونه گردشگری وزارت میراث فرهنگی با تأکید بر لزوم حمایت از تولیدات صنایع‌دستی و توسعه گردشگری که از دغدغه‌های مهم این وزارتخانه است گفت: «این لایحه در کمیسیون اقتصادی هیئت دولت بررسی می‌شود.»

او افزود: «مواد لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم به‌منظور حفظ و نگهداری از آثار تاریخی‌فرهنگی و کمک به مالکان بخش خصوصی برای احیا و مرمت آثار و همچنین حمایت از رشد و توسعه صنعت گردشگری، ترویج صنایع‌دستی، فرش دستبافت و هنرهای سنتی بومی و اصیل در دستور کار کمیسیون اقتصادی هیئت دولت قرار دارد.»

مدیرکل دفتر مناطق نمونه گردشگری معاونت سرمایه‌گذاری و امور مجلس تصریح کرد: «پس از بررسی‌های تخصصی و تصویب مواد لایحه در کمیسیون اقتصادی هیئت دولت به مجلس شورای اسلامی ارسال و پس از تصویب نهایی در مجلس به‌منظور اجرای مواد آن به دولت و سایر مراکز ذی‌ربط ابلاغ می‌شود.»

او با اشاره بر حساسیت حوزه گردشگری و صنایع‌دستی و لزوم توسعه زیرساخت‌های این بخش، افزود: «وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی پیشنهادهایی از جمله ابقای معافیت مالیاتی در حوزه‌های ساخت و بهره‌برداری از تأسیسات گردشگری، حوزه‌تولیدات صنایع‌دستی و لحاظ کردن معافیت مالیاتی در هر نوع نقل و انتقال قطعی املاک و حق واگذاری آثار تاریخی‌فرهنگی، اجاره آثار تاریخی‌فرهنگی، حقوق دریافتی کارگران شاغل در حوزه صنایع‌دستی، فرش دستبافت و هنرهای سنتی را ارائه کرده است.»

او گفت: «استمرار ماده ۱۲۲ قانون مالیات‌های

مستقیم می‌تواند به‌عنوان اهرم انگیزشی مانند کشورهای چین و هند برای جلب و جذب افراد جامعه به منظور فعالیت و اشتغال در تولید صنایع‌دستی عمل کند، این امر نتنها زمینه‌ساز رشد مطلوب اشتغال در تولید صنایع‌دستی می‌شود بلکه با توسعه و رونق تولید موجب افزایش درآمد ناخالص ملی و آزاواری کشور خواهد شد.»